

طی مراسمی در مجتمع آموزشی ریحانه انجام شد؛

## رونمایی از دو کتاب تالیف محمدعلی گلابزاده



### پاسداشت ارزش‌های ملی و سرزمین کهن

رئیس مرکز کرمان‌شناسی با بیان اینکه اگر ارزش‌های ملی و سرزمین کهن خود را پاس نگه نداریم، دیگران سوءاستفاده می‌کنند و شرمند می‌شویم گفت: «اگر سنت‌هایمان را قدر ندانیم موارد دیگری مثل جشن ولنتاین و هالووین را برایمان می‌آورند».

سیدمحمدعلی گلابزاده افزود: «جوانان این سرزمین با دیدن آیین‌های بزرگداشت مفاخر، این احساس را در خود می‌بینند که به آنان محبت و بزرگواری کنند، اگر کارهای بزرگی انجام شود، مردم حق‌شناس کرمان چنین جایگاه بزرگی در حقشان قائل خواهند بود».

وی با اشاره به رونمایی ۲ اثر «از کرمان هنرآرا تا دوشنبه و بخارا» و «پیوندهای یزد و کرمان» بیان کرد: «در سفر یکسال گذشته به کشور تاجیکستان و ازبکستان مقاله‌ای با عنوان کرمان شهر ایده‌ها و شهر شاهنامه، ارائه کردیم و وقتی گفتیم کرمان شهر آرمان‌شهر شاهنامه است برای برخی دوستان سنگین بود، اما زمانی که تمایل، نشانه‌ها و

گروه فرهنگ‌و هنر: کتاب‌های «از کرمان هنرآرا تا دوشنبه و بخارا» و «پیوندهای یزد و کرمان» اثر سیدمحمدعلی گلابزاده، نویسنده، کرمان‌شناس و مدیر مرکز کرمان‌شناسی با حضور استاندار و جمعی از مسئولان و اهالی فرهنگ استان کرمان رونمایی شد.

کتاب «از کرمان هنرآرا تا دوشنبه و بخارا» تشریح پیشینه تاریخی و فرهنگی کرمان و نیز شرح سفر و مشاهدات سال گذشته استاد گلابزاده به کشورهای تاجیکستان و ازبکستان و دیدار از شهرهای دوشنبه و بخارا است. به گزارش ایرنا کرمان، استاندار کرمان در این مراسم که در محل مجتمع آموزشی ریحانه در شهر کرمان برگزار شد، گفت: «توسعه، پیشرفت و تعالی روزافزون کرمان میسر نخواهد شد مگر اینکه توجه جدی به حوزه فرهنگ و تاریخ این دیار داشته باشیم».

### فرهنگ و تاریخ باید پیشانی فعالیت‌های ما باشد

محمدعلی طالبی افزود: «امیدواریم در مسیر پیش‌رو که مسیر تحول و تحریک‌بخشی به توسعه استان کرمان است، فرهنگ و تاریخ کرمان در کنار و پیشانی فعالیت‌های ما باشد و عزیزی مثل گلابزاده را در کنار خود داشته باشیم».

وی با اشاره به سوابق و فعالیت‌های استاد گلابزاده اضافه کرد: «پیشانی انسانی فرهیخته، دانشمند و بسیار علاقه‌مند به کرمان و دارای آثار ماندگار در حوزه فرهنگ و تاریخ‌شناسی هستند».

استاندار کرمان گفت: «مردم و جامعه فرهیختگان و نخبگان کرمان باید قدر چنین شخصیتی را بدانند که در خط مقدم صیانت از فرهنگ و تاریخ این دیار همچنان دلسوز و پرنرژی قلم می‌زند و کار می‌کند».

### یادکردی از زنده یاد ایرج بسطامی؛

## تحریر درد بر بام سرای بم

و چند ساله‌اش را از دردی به دردی دیگر گذراند. از آن‌هایی بود که تمام عمر را بر گور خویش می‌گریند و منظری غیر از این برای زیستن ندارند. تقصیری هم ندارند. سرشت و سرنوشت آدمی را نمی‌توان از هم مجزا کرد. مثل جغرافیا و ژنتیک که جدایی‌ناپذیرند و محکم‌تر از پوست بدن، به پیکره زندگی آدمی چسبیده‌اند.

آواز ایرج بسطامی، در واقع مویه‌ای است مدام و بی‌انجام، او را صدایی مادرزاد بود و آوازخوانی را در خون خود داشت. خودرو نبود و تا حدودی استاد دیده بود. محمدرضا شجریان، پدرسالارترین چهره موسیقی ایرانی در چهل سال گذشته، به او مطالبی را در حد معمول آموخت، اما در حمایت او قدمی برنداشت و مانع معرفی او هم شد. البته چتر الطاف ملوکانه ایشان جز بر سر استعدادهای مادون متوسط، باز نمی‌شد.

بسطامی ساده‌دل و عاری از رندی و پیچیدگی، در محیط کلاس(بخوانید حلقه مریدان ذوب در اقتدار) ایشان، بیش از این‌که چیزی بیاموزد، رنج برد و دست آخر هم رانده شد. اما بیش از آن حدی که تصور می‌رود، از شیوه واپسین دوران آوازخوانی استاد تأثیر گرفت.

لحن‌های دشتستانی‌خوئی، فایزخوانی و دادبه‌وارخوانی کافی‌ست اختلاف بافت حنجره شاگرد و استاد را نادیده بگیریم و شباهت‌ها را سریع دریابیم. با یادآوری این نکته، ایرج بسطامی، این‌قدر با استعداد و با احساس بود که در همان تأثیرپذیری‌ها، بری از تقلید مستقیم باشد و روایت روح مجروح خود را با استقلالی عیان، ارایه کند. نیاز نیست

گروه فرهنگ و هنر: یادداشت «تحریر درد بر بام سرای بم» به یاد استاد ایرج بسطامی ماه گذشته در شماره سوم سالنامه موسیقی کرمان، به کوشش شهاب جعفری منتشر شده است. این سالنامه مجموعه‌ای است که به بررسی و تجزیه و تحلیل موسیقی کرمان می‌پردازد. شهاب جعفری دکتری تخصصی پژوهش هنر، گرایش موسیقی دارد و علاوه بر تدریس و پژوهش، با مطبوعات همکاری دارد.

به‌مناسبت سالروز فاجعه بم و یادکردی از روانشاد استاد ایرج بسطامی که از قربانیان این زلزله بود، یادداشت «تحریر درد بر بام سرای بم» نوشته پژوهشگر ارجمند علیرضا میرعلی نقی را بازنشر کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

### جوانمرگی ایرج بسطامی

بارها نوشته‌ام که جوانمردگی، برای هر کسی، دلیل ماندگار شدن نیست. اما برای صاحب هنر و استعدادی متمایز، دلیلی برای دوام ماندگاری می‌تواند باشد. کهن‌الگوهای بسیار قوی‌تر از اندیشه و تصمیم‌های ما، برای مسیر اتفاقات زندگی و احساسات ما خط مشی تعیین می‌کنند و «ما لبعبتکایم و فلک لعبت باز».

کاری نداریم که حقیقت است یا مجاز؛ همین است که هست. از همانندسازی‌ها گریزانم ولی گاهی هم گریزی نیست. ایرج بسطامی، بغض زخمی آواز، شاید به نوعی، تکرار الگوی همیشه حاضری بود به نام جوانمردگی ایرانی. آخرین مرحله اجرای آن هم در زلزله بم بود. سرشت «قربانی شونده» او را می‌توان از اول تا آخر عمرش نظاره کرد. مظلوم و متحمل و منتظر، همه عمر چهل

آنچه در گذر تاریخ بوده را به‌صورت مستند آوردیم، قبول کردند».

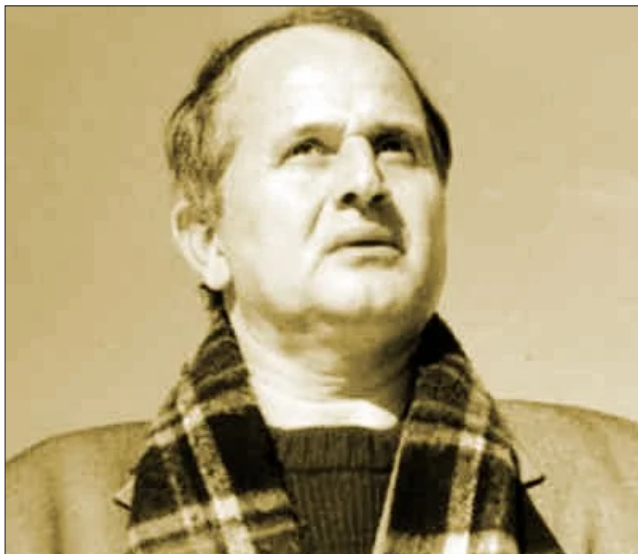
### نزدیکی تاریخی کرمان و یزد

این محقق و پژوهشگر تاریخ کرمان تاکید کرد: «صادقانه عرض می‌کنم به‌عنوان کسی که ۵۰ سال در کتاب‌ها تورق می‌کنم، هنوز ندیده‌ام ۲ سرزمینی مثل کرمان و یزد، شاه‌به‌شاه همدیگر در جهت مهرورزی، سرافرازی و برافراشتن پرچم ایران نزدیک باشند». وی ادامه داد: «اولین اقدام برای این مهرورزی توسط ابوحامد افضل‌کرمانی برداشته شد و در قرن هفتم بیمارستانی برای سلسله اتابکان یزد ساخت که پس از آن محمدمظفر میبیدی از یزد به واسطه این کار بزرگ، مسجد مظفری کرمان را ساخت».

گلابزاده با اشاره به ادامه تعاملات و همکاری‌ها بین کرمانی‌ها و یزدی‌ها خاطرنشان کرد: «این ۲ استان در واقع موقعیت و جایگاه مشابهی داشتند، اینقدر صمیمی بودند که نویسنده کتاب سقوط صفویه می‌نویسد محمود افغان وقتی به کرمان آمد، کرمانی‌ها نگران خودشان نبودند و بیکی برای آگاهی یزدی‌ها فرستادند».

وی با اشاره به اینکه استاندار فعلی کرمان، شانزدهمین استاندار یزدی تاریخ کرمان است اظهار کرد: «همه استانداران یزدی خدمت کردند و وقتی آقامحمدخان قاجار، کرمان را ویران کرد اولین کسی که برای آبادی به کرمان آمد، آقا محمدتقی یزدی بود و ما همیشه این رابطه‌ها را با همسایگان نداشتیم».

رئیس مرکز کرمان‌شناسی افزود: «اگر همراهی، برابری و برادری بین سرزمین‌ها باشد در یک سرزمین کوری مثل یزد و کرمان، می‌توان عطر زندگی پاشید و برای آن عزت‌آفرینی کرد و همه این‌ها در گرو انس و الفت بین این دو سرزمین است».



حتماً او را خواننده‌ای صاحب عیار در آواز کلاسیک ایرانی بدانیم. بسطامی چنین خواننده‌ای نبود و این حقیقت نیز چیزی از شأن و احترام او کم نمی‌کند. همان‌طور که همتای او در هفتاد سال پیش، زنده‌یاد داریوش رفیعی نیز چنین بود. اینان «مرثیه‌خوان دل دیوانه خویش» بودند و آفرینندگان جهانی جذاب و پرکشش، که کار خیلی از خوانندگان کلاسیک نیست. اتفاقاً امثال بسطامی و رفیعی و محمودی خوانساری و کریم سماوی و اصغر زندوکیلی (و این‌اواخر اسحاق انور)، خیلی بیش از دیگر خوانندگان، راوی روح زمانه خویش و التهابات و نومیده‌ها و شوریدگی‌های انسان سرگشته معاصر بودند و نیاز به چنین هنرمندان جان سوخته و پاکباز در فضای موسیقی امروز ایرانی، واقعا حس می‌شود. هرچند به دلایل منطقی، دیگر زمینه و زمانه برای این نوع قلندران دل‌سوخته، فراهم نیست و نخواهد احساس او نیست!

### از سوی شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ سیدعلی میرافضلی به عضویت وابسته فرهنگستان برگزیده شد

گروه فرهنگ‌و هنر: در تازه‌ترین نشست شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سیدعلی میرافضلی، رباعی‌پژوه و خیام‌شناس به عضویت وابسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزیده شد.

به گزارش کانال تلگرامی فرهنگستان، در چهارصد و هشتاد و چهارمین نشست شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نصاب امامی، حافظ‌پژوه و استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز و چنگیز مولایی استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تبریز به‌عنوان اعضای پیوسته جدید فرهنگستان معرفی شدند. همچنین سیدعلی میرافضلی، رباعی‌پژوه و خیام‌شناس، و محمدرضا عدلی، پژوهشگر ادیان و عرفان و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی به‌عضویت وابسته فرهنگستان برگزیده شدند. بر پایه این گزارش، این نشست با حضور نظام‌الدین زاهدی، سفیر جمهوری تاجیکستان در ایران، عبدالنبی ستارزاده، عضو پیوسته خارجی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و تنی چند از استادان دانشگاه‌های تاجیکستان که به‌منظور شرکت در «نخستین همایش رودکی و پیوندهای ایران و تاجیکستان» به ایران سفر کرده‌اند، برگزار شد. شایان ذکر است، سیدعلی میرافضلی در آذرماه امسال نیز به عنوان شاعر و پژوهشگر حوزه ادبیات از سوی دانشگاه شهید باهنر کرمان برنده جایزه هنری ادبی فخره صبا شد. پایگاه خبری فرادای کرمان و هفته‌نامه استقامت، این انتخاب شایسته را به آقای میرافضلی شاعر و پژوهشگر گرانقدر رفسنجانی و جامعه فرهنگی و هنری استان کرمان تبریک می‌گوید.

— — —

### هوشنگ مرادی کرمانی:

### قصه‌های مجید

### هنوز خوانده می‌شود

گروه فرهنگ‌و هنر: هوشنگ مرادی کرمانی با اشاره به اینکه امکانات ما متناسب با کودکان امروزی بزرگ نشده است، گفت که «قصه‌های مجید» هنوز خوانده می‌شود. وی افزود: «ما امروز هر کودکی یک جهان را مقابل خود دارد و ما هم‌اکنون در یک فضای جهانی تنفس می‌کنیم. این بچه‌ها خوراک متناسب با شرایط جدید نیاز دارند».

به گزارش مهر، مرادی کرمانی در نشست تخصصی وضعیت فیلم‌نامه نویسی و فیلم‌سازی در حوزه کودک و نوجوان، در واکنش به وضعیت نامطلوب سینمای کودک و نوجوان، بیان کرد: «متأسفانه مدیران فرهنگی ما، تفکرات خودشان را در آثاری که برای کودک و نوجوان تهیه می‌شود، جا می‌داند و این به مذاق بچه‌ها خوش نمی‌آید».

وی ادامه داد: «ما نیاز به نگاه تازه‌ای در صنعت فیلم‌سازی حوزه کودک و نوجوان داریم. در گذشته، بچه‌ها و دانش‌آموزان یا در مدرسه یا در خانه و یا در کوچه با موضوعات مختلف آشنا می‌شدند و کل محیط آموزش آن‌ها در این سه مکان خلاصه می‌شد».

نویسنده کرمانی یادآور شد: «اما امروز هر کودکی یک جهان را مقابل خود دارد و ما هم‌اکنون در یک فضای جهانی تنفس می‌کنیم. این بچه‌ها خوراک متناسب با شرایط جدید نیاز دارند. من همیشه یک مثالی می‌زنم تحت عنوان این‌که «بچه‌ها بزرگ شدند اما نیمکت‌های ما نه»، مقصودم از این تشبیه این است که لوازم و ابزار و نرم‌افزار ما به اندازه فکر و ذهن بچه‌ها بزرگ نشده است». وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه اگر شما به عنوان یک نویسنده در حال حاضر قرار بود کتابی برای کودک نوجوان بنویسید چه تفاوتی با گذشته در قلم‌تان رخ می‌داد؟ گفت: «ادبیات همواره زنده است و «قصه‌های مجید» هنوز خوانده می‌شود و دلیل آن این است که خنده یا طنز در آن گنجانده شده بود».

مرادی کرمانی با اشاره به عنصر خلاقیت در ادبیات داستانی ادامه داد: «با «قصه‌های مجید»، عشق و طنز وارد ادبیات آن دوران شد. این را فراموش نکنیم که سینما هرگز نتوانست با پای ادبیات بدود، این ذات سینما است که کهنه می‌شود اما ادبیات هرگز این‌طور نیست».